

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
سال دوازدهم شماره ۴۵ بهار ۱۴۰۲

بررسی تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی-امنیتی غرب آسیا

● لطفعلی عنایتی ●

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

● فتح‌ا.. کلانتری ●

دانشیار گروه امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

● حمیدرضا خضرای ●

دانشجوی دکتری امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

چکیده

تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی-امنیتی غرب آسیا از مباحثی است که موضوع تحقیقات متعددی، در محافل علمی و دانشگاهی بوده است. در پژوهش حاضر، با تحلیلی از تشکیل رژیم صهیونیستی، رویکرد سیاست خارجی، استراتژی گسترش سرزمین و شکاف‌های درونی جهت رسیدن به آرمان اسرائیل بزرگ حضور خود را در منطقه سیاست‌گذاری نموده است، به تاثیرات حضور این رژیم در منطقه از منظر امنیتی و سیاسی پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و رویکرد محققان توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آن‌ها از روش تحلیل نخبگانی (تکنیک مصاحبه) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوندهای راهبردی غرب با موازنه‌سازهای منطقه‌ای عربستان و رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای، توسعه درگیری‌های نظامی و منازعات مسلحانه بین گروهی (غیر دولتی) و گسترش نبردهای نیابتی و تولید ایران‌هراسی از تاثیرات امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه است.

کلیدواژه‌گان: رژیم صهیونیستی، غرب آسیا، تحولات سیاسی غرب آسیا، تحولات امنیتی غرب آسیا

مقدمه و بیان مسئله

رژیم صهیونیستی پس از حدود ۶۰ سال از کنفرانس (بال سوئیس، ۱۸۸۷) که توسط هرتصل برگزار شده بود در می ۱۹۴۸، تاسیس این رژیم را اعلام کردند. با اعلام تاسیس این رژیم و شناسایی آن از سوی کشورهای جهان و سپس در سازمان ملل، در اولویت تلاش های سران صهیونیسم قرار گرفت. رژیم صهیونیستی به تاثیرگذاری و اهمیت ایجاد روابط با کشورهای منطقه واقف بودند و گسترش روابط منطقه ای برای اثر گذاری بر منطقه از اولویت بالایی برایشان برخوردار بود. (موسسه تحقیق و پژوهش های سیاسی، ۱۳۹۰)

جنگ های متعدد اشغالگران با کشورهای همسایه و تجاوزات مستمر آنان همواره مانعی در توسعه روابط آنان با کشورهای منطقه بوده است. اما در پی کنفرانس (مادرید) و شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی (ساف) باعث شد قبح رابطه با این رژیم کاسته شده و تعدادی از دول عرب خاورمیانه روابط نیمه آشکاری با این رژیم برقرار نمایند و منشاء تاثیرات این رژیم بر تحولات اساسی - امنیتی منطقه گردد. منشاء تشدید مسایل و مشکلاتی مانند جنگها، آوارگی، پناهجویی، کشتار و کشمکش و درگیری که از ویژگی های منطقه غرب آسیا است، از آنجا شروع شد که (ملتی بدون سرزمین) در جستجوی سرزمینی بدون ملت بود که با همکاری و حمایت آمریکا و استعمارگران اروپایی، فعالیت های همه جانبه ای را برای تصرف و اشغال منطقه حساس و پر ارزش در خاورمیانه (فلسطین) آغاز کردند. (سلیمانی، ۱۳۸۹)

تولد نامشروع اسرائیل در منطقه خاورمیانه، وضعیت پیچیده ای را از لحاظ امنیت منطقه ای و سیاسی رقم زده است و تاسیس یک رژیم امنیت منطقه ای را با دشواری ها و موانع حاد و اساسی مواجه ساخته است. اسرائیل سالهاست که منطقه خاورمیانه را با نا امنی روبرو ساخته و این روند همچنان ادامه دارد. (اخوان مفرد، ۱۳۷۹)

پس از وقوع انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل تعارض ایدئولوژی و موجودیتی همواره بزرگترین تهدید برای خود تلقی می کند و به طور همزمان، روابط ایران و رژیم صهیونیستی در مسیر عکس روابط این رژیم با اعراب قرار می گیرد و این تهدید مقارن با هراس و نگرانی پادشاهی های خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران می شود و ذهنیتی مشترک، در مورد نگرانی های امنیتی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران را بین رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس به وجود می آورد. رژیم صهیونیستی در چارچوب راهبردی های پیرامونی منطقه غرب آسیای جدید و در پرتو عوامل

داخلی و خارجی مؤثر در تشدید و امکان پذیری حضورش درخاورمیانه اهداف و سیاست های حضورش در غرب آسیا را تعقیب می نماید.

رژیم صهیونیستی با کشورهای خلیج فارس در برخی از حوزه ها و زمینه ها به ویژه در حوزه نظامی و امنیتی دارای روابط غیررسمی، مخفیانه و مقطعی بوده اند و در این زمینه به توافقاتی نیز رسیده اند که می توان به همکاری های نظامی و اطلاعاتی بین آن ها در جنگ یمن اشاره کرد. بنابراین پژوهش حاضر سعی در یافتن تحولات متاثر از حضور رژیم صهیونیستی در غرب آسیا دارد.

معادلات منطقه جنوب غرب آسیا پس از تاسیس و حضور رژیم صهیونیستی دچار تغییرات راهبردی خواهد شد. تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر امنیت منطقه و امنیت ملی ج.ا.ایران اثرات سوئی خواهد داشت. بنابراین با اجرای این پژوهش و بررسی تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی-امنیتی غرب آسیا و تاثیر نهایی آن بر امنیت ملی ج.ا.، نهادهای سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشور، لذا از یک سو می توان جهت شناسایی راهبردها و راهکارهای بهتری را برای مقابله با تهدیدها دست یافت و از سویی دیگر، بایستی دقت و تأمل نمود که محیط امنیتی صحنه تک بازیگر نبوده و غفلت از برنامه ها و طرح های سایر بازیگران، موجب خطا رفتن در پیش بینی صحیح می گردد و احتمال غافلگیری وجود دارد. لذا به لحاظ نظری در صورت عدم اجرای این پژوهش، تاثیر حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در حوزه جنوبی کشور مغفول خواهد ماند و به لحاظ کاربردی نیز احتمال افزایش غافلگیری راهبردی در مواجهه با تغییرات محیط امنیتی در حوزه خلیج فارس متصور می باشد.

با بررسی به عمل آمده تحقیقات خوبی بر پیدایش رژیم صهیونیستی انجام شده است اما با توجه به حضور اخیر رژیم صهیونیستی در کشورهای عربی تاکنون تحقیق جامع و مدونی پیرامون تحولات سیاسی - امنیتی غرب آسیا ناشی از حضور رژیم صهیونیستی انجام نشده است، لذا آنچه که به عنوان مساله اصلی تحقیق ذهن محقق را به آن معطوف نموده است این است که حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا دارای چه پیامدهای سیاسی و امنیتی است و واکنش کشورهای منطقه غرب آسیا نسبت به این حضور چگونه است؟

هدف اصلی تحقیق، بررسی تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی-امنیتی غرب آسیا هدف اصلی این پژوهش می باشد و در صدد پاسخ به این سوال است که تاثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی - امنیتی غرب آسیا چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش دانش موجود را نسبت به موضوع تحقیق افزایش داده است به همین دلیل کاربردی و تصمیم‌گرا بوده و مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان بخش کشوری و لشکری قرار می‌گیرد، در این پژوهش نظریه‌پردازی مورد نظر نمیباشد، بلکه احصاء پیامدهای سیاسی و امنیتی ناشی از حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا، مورد توجه است. لذا نوع پژوهش توسعه‌ای- کاربردی است. در این تحقیق، پژوهشگر صرفاً آن‌چه را که وجود دارد مطالعه کرده و به توصیف عینی، واقعی و منظم آن پرداخته و به روش پژوهش کیفی نظام‌مند با روش توصیفی- تحلیلی انجام گردیده است. با توجه به اینکه روش این پژوهش کیفی است، لذا روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش برداری، آرشیو، کتاب، مقالات و اینترنت جهت تهیه ادبیات موضوع، مفاهیم کلیدی در ادبیات نظری پیرامون کلیدواژه‌هایی مانند: تحولات سیاسی، تحولات امنیتی، منطقه غرب آسیا، رژیم صهیونیستی است و روش تحلیل داده‌ها کیفی و متناظر با نظریه موازنه تهدید و موازنه قوا است که در بخش نظری تبیین شده است. از نظر زمانی همزمان با تاسیس رژیم صهیونیستی و از نظر مکانی شامل منطقه غرب آسیا است، از نظر موضوعی به بررسی تأثیر حضور رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی- امنیتی پرداخته است. سپس این داده‌ها در قالب دو پرسش دسته‌بندی شد و با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته در اختیار متخصصان حوزه منطقه غرب آسیا قرار گرفت.

جامعه آماری مورد پژوهش شامل ۵ نفر از متخصصان حوزه مطالعات غرب آسیا که همه آنان دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری در حوزه مطالعات منطقه‌ای هستند بود. در انتخاب این افراد تلاش شد تا صرف داشتن مدرک مرتبط مورد استناد قرار نگیرد و آنان از میان افرادی انتخاب شوند که دارای پژوهش‌ها و تألیفات علمی قابل استناد در این حوزه و سابقه کار عملی در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی باشند. از همین رو سؤالات مصاحبه در اختیار آنان قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

به طور مشخص آثار بسیار اندکی وجود دارد که متغیرهای مورد استفاده در مقاله حاضر تأثیر رژیم صهیونیستی بر تحولات سیاسی و امنیتی در غرب آسیا را در ترکیب با یکدیگر مورد بررسی قرار داده باشند. با این حال، کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که به لحاظ حوزه پژوهش و داده‌های مورد استفاده تا حدودی با پژوهش ما ارتباط پیدا می‌کنند. در ادامه به معرفی برخی از این

آثار پژوهشی و مهمترین یافته های آنان می پردازیم:

الف) مقاله: تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا به قلم آقایان بهرامی و عراقچی در سال ۱۳۹۶.

نویسندگان مقاله معتقدند رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا که در سال های اخیر شکلی مشهود به خود گرفته و به دلیل تحولات گوناگون در نظام بین الملل و وابستگی متقابل اقتصادی پیچیده که در آن حساسیت و آسیب پذیری بازیگران نسبت به تحولات اقتصادی یکدیگر افزایش یافته است، رژیم صهیونیستی تلاش می نماید با ایجاد جامعه پذیری نظامی در داخل، هویتی منسجم میان گروه های مختلف شکل دهد و با تسلط بر رسانه های بین الملل به کسب مشروعیت بپردازد و با تکیه به قدرت های بزرگ در مقابل تهدیدات ایستادگی کرده و در صدد کسب هژمونی اقتصادی در منطقه برآید. از نظر نویسندگان مقاله، تهدیدات امنیتی جدید و اقدامات چند لایه آنها، منطقه غرب آسیا به لحاظ راهبردی وارد دوران جدیدی کرده است که بر کل منطقه و کشورهای آن اجتناب ناپذیر است و مستلزم اتخاذ سیاست های عملی و راهبردی چند لایه برای حفظ صلح و امنیت غرب آسیا است.

ب) مقاله بی ثباتی های غرب آسیا (خاورمیانه) به قلم آقای رستمی در سال ۱۳۹۵ بازیگران منطقه ای و یاریگران فرامنطقه ای

این مقاله با استفاده از نظریه جنگ و صلح منطقه ای استدلال می کند که گرچه قدرت های بزرگ فرامنطقه ای، نقش و اثر گذاری قابل توجهی در مناطق بحرانی غرب آسیا دارند و لی ریشه ها و بسترهای خشونت و تنش، در اصل در منطقه هستند انسداد سیاسی رژیم صهیونیستی و نارسایی های جدی اقتصادی و دشواری های روابط نهادهای غیر دولتی با دولت ها از جمله این ریشه ها هستند.

ج) تغییر دینامیک امنیتی خلیج فارس به قلم کریستن کوتس - ال ریشسن سال ۲۰۱۸ نویسنده این مقاله معتقد است پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ رویدادهای متناقض و متفاوتی رخ داد که زمینه را برای تغییر ترتیبات امنیتی و ائتلاف های موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس شامل: شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به همراه ایران و عراق فراهم کرد. آشوبهای سیاسی - اقتصادی ناشی از خیزش های سال ۲۰۱۱، ظهور دولت اسلامی عراق و شام داعش، جنگ نیابتی ایران و عربستان در یمن، جنگ نیابتی ایران و رژیم صهیونیستی در سوریه، قطع رابطه چهار کشور عربی با قطر تنها بخشی از تحولاتی بود که غرب آسیا در این دوره از سر گذراند. بنابراین به نظر می رسد امنیت در خلیج فارس با پویایی های جدیدی روبه رو خواهد

شد و شبکه های ائتلاف ها و تقابل های منطقه ای وارد فاز جدیدی خواهد شد که با گذشته متفاوت است.

د) مقاله علمی پژوهشی چشم انداز صلح غرب آسیا در سایه روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب به قلم آقایان حمید رضا ملکی و محمد رضا ابراهیمی در سال ۱۳۹۹

مهمترین عاملی که به همگرایی رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای منطقه منجر شده است نگرانی- های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی و اعراب در قبال ایران و نیز پیشبرد بهتر منافع ملی بوده است تا جایی که از شکل گیری غرب آسیای جدید سخن به میان آمده است. باین حال نویسندگان مقاله معتقدند گرچه این توافقات و گسترش دامنه آن به دیگر کشورهای عربی می تواند موجب کاهش تنش های منطقه ای و ارتقاء ضریب امنیتی برای رژیم صهیونیستی شود اما تاریخ نشان داده است که این گونه توافقات نمی تواند به حل نهایی قضیه فلسطین کمک کند مادام که طرفین اصلی مناقشه، رژیم صهیونیستی و فلسطین بر موضع همیشگی خود همه یا هیچ تأکید ورزند.

مبانی مفهومی پژوهش

اسرائیل: عربی: إِسْرَائِيل، با نام رسمی دولت اسرائیل به عبری: מְדִינַת יִשְׂרָאֵל، یک کشور در غرب آسیا، واقع در مدیترانه شرقی و ساحل شمالی دریای سرخ است. اسرائیل در شمال با لبنان، در شمال شرقی با سوریه، در شرق با اردن، به ترتیب در شرق و غرب با سرزمین های فلسطینی کرانه باختری و نوار غزه، و در جنوب شرقی با مصر هم مرز است. با وجود اینکه این کشور مساحت نسبتاً کمی دارد، اما از نظر جغرافیایی دارای ویژگی های متنوعی است. مرکز اقتصادی و علمی اسرائیل، تل آویو است، درحالی که مرکز حکومت آن در اورشلیم، (شهری که اسرائیل آن را پایتخت خود می داند) واقع است. اورشلیم به عنوان پایتخت این کشور توسط بیشتر کشورها، به رسمیت شناخته شده است اما چندین کشور آن را به رسمیت نمی شناسند.

اسرائیل تنها کشور با شهروندان عمدتاً یهودی در جهان است. بر پایه برآورد سال ۲۰۱۳ سازمان مرکزی آمار اسرائیل، این کشور در حدود ۸ میلیون و ۵۱ هزار نفر جمعیت داشته است که ۶۰۴۵۹۰۰ نفر از آنان را یهودیان و ۱۶۶۳۴۰۰ را اعراب اسرائیلی تشکیل داده اند. بیشتر اعراب اسرائیلی مسلمان و گروهی نیز مسیحی و دروزی هستند. مارونی ها، سامری ها، ارمنی ها، چرکسی ها و کردها از دیگر اقلیت های قومی ساکن این کشور هستند.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ میلادی، سازمان ملل متحد، طرح تقسیم فلسطین به دو کشور اسرائیل و فلسطین و اداره شهر اورشلیم، به صورت بین‌المللی را تصویب کرد. این طرح موافقت سران اسرائیلی را در پی داشت اما فلسطینیان و دولت‌های عرب منطقه، بی‌درنگ آن را رد کردند. در نتیجه از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۱۴ مه ۱۹۴۸ میان شبه‌نظامیان فلسطینی و یهودی، نبردهای خونینی درگرفت. نهایتاً در ۱۴ مه ۱۹۴۸ هم‌زمان با پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین، دولت اسرائیل با صدور منشور استقلال، اعلام موجودیت کرد. یک روز پس از اعلام استقلال، تمامی همسایگان عرب به‌طور هم‌زمان به اسرائیل حمله کردند که متحمل شکست شدند. از آن پس، مجموعه‌ای از درگیری‌های نظامی بین نیروهای اسرائیلی و کشورهای عرب رخ داده که جنگ ۱۹۴۸، جنگ ۱۹۵۶، جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ و جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳ مهم‌ترین آن‌ها بوده‌اند.

اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد است و در حال حاضر با بیش از صد و پنجاه و هفت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. از سوی دیگر، ۲۵ کشور عمدتاً مسلمان، این دولت را به رسمیت نمی‌شناسند. این کشور هم‌چنین میزبان بناهایی مقدس از ادیان ابراهیمی، شامل یهودیت، مسیحیت، اسلام و بهائیت است.

منطقه غرب آسیا: مفهوم خاورمیانه واژه‌ای است که در سال ۱۸۹۴ توسط دریاسالار آمریکایی، آلفرد تایلر ماهان در تبیین نقش استعماری انگلستان در جغرافیای جهانی مطرح شد (فناویان و اشرف، ۱۳۸۹: ۱۶۹). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه در خصوص واژه خاورمیانه چنین فرمودند: من اصرار دارم این منطقه را غرب آسیا بگوییم نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک و خاور میانه درست نیست. (مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۱)

غرب آسیا از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده‌است. این منطقه دارای بزرگ‌ترین منابع نفت و مکان کشمکش‌های دراز مدت اعراب و اسرائیل است. کشورهای غرب آسیا عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، عمان، عراق، بحرین، یمن، فلسطین اشغالی، اردن، سوریه، لبنان، کویت، مصر در برخی تقسیم‌بندی‌ها کشورهای زیر هم جزو این منطقه به حساب آورده می‌شوند: لیبی، موریتانی، الجزایر، سودان، تونس و مغرب (مراکش)

مبانی نظری و چارچوب تحلیلی پژوهش

نظریه پردازان روابط بین الملل در بررسی عوامل موثر در شکل گیری سیاست خارجی به چند گروه تقسیم می شوند. عده ای به تحلیل های خرد روی آورده اند و عده ای تحلیل خویش را بر پایه تحلیل کلان استوار ساخته اند. (James: ۱۹۶۵) رهیافت کلان ناظر بر عوامل بین المللی است. نظریه پردازان این رهیافت بر این باورند که عوامل بین المللی که بواسطه ایجاد محدودیت ها بر واحدها، رفتار دولت ها را ترسیم می نماید. مورگنتا با طرح نظریه موازنه قوا در روابط بین الملل بر این اعتقاد بود که روابط بین دولت ها ناشی از منافع ملی است که از طریق قدرت کسب می شود. منافع ملی نیز از انگیزه تمایل بقا سرچشمه می گیرد و به جهت اینکه محدودیت در امکانات وجود دارد، انگیزه تمایل بقا افزایش می یابد. او بر این باور است در تعامل کشورها با یکدیگر، نظامی حاکم می شود که کشورها خواهان سه استراتژی حفظ وضع موجود، توسعه طلب و یا کسب اعتبار هستند. یعنی سیاست همه بازیگران منطقه ای را تابعی از حفظ، افزایش یا نمایش قدرت است. (اسلامی: ۱۳۸۸)

آنها در خصوص آنارشی در نظام بین المللی که منجر به ایجاد محدودیت برای واحدها می شود، معتقدند که آنارشی منجر به آن می شود که دولتها برای بقای خویش به افزایش قدرت بپردازند. بر این اساس ماهیت دولت اسرائیل مهمترین عامل در تاثیر در منطقه غرب آسیا است. زیرا اصولاً رفتار اسرائیل در منطقه و سیاست خارجی آن بیشتر تابعی از ماهیت این رژیم است.

چشم انداز نظری مورد استفاده در این پژوهش برای تبیین تاثیر رژیم صهیونیستی بر تحولات منطقه غرب آسیا، چارچوب نظری رابرت کی گن است. او بر این نظر است که در کنار قدرت اقتصادی، هم اکنون کشورهای بزرگ جهانی و مهم منطقه ای در پی کسب جایگاه و نفوذ هستند. دوره تفاهم، جای خود را به دوره تزاخم داده است. رقابت میان لیبرالیسم و الیگارشسی به طور جدی در حال ظهور است. بار دیگر، تقابل میان سنت و مدرنیسم سر برآورده است. رقابت، درگیری های کنترل شده و ائتلاف های جدید امنیتی اقتصادی جای خود را به تقسیم بندی های شرق و غرب، ایدئولوژی ها و دموکراسی ها خواهند داد. کی گن بر این نظر است که نظام بین الملل از «یک قدرت جهانی و بسیاری قدرت های دیگر» تشکیل شده است.

چین و روسیه در جلوگیری از هژمونی آمریکا فعال هستند و چین تنها کشوری است که استراتژی درازمدت تبدیل شدن به یک قدرت نظامی را دارد (Ikenberry ۲۰۱۱: ۶۱۳-۶۱۵). هرچند قدرت امنیتی و نظامی و سیاسی آمریکا همچنان در تنظیم قواعد بین المللی و منطقه ای نقش آفرین است، اما اکنون،

تنظیم قواعد جهانی و نحوه حل و فصل اختلافات در مثلث چین- روسیه - آمریکا انجام می‌شود و بروکسل به تدریج، به‌ویژه در مسائل سیاسی و امنیتی بین‌المللی، نظاره‌گر خواهد بود.

آینده آسیا مانند گذشته اروپا است. روسیه، طبق سنت، به قدرت و نفی دیگران روی آورده است. روس‌ها همیشه هنگامی که در نزدیکی‌های خود قدرت ببینند، احساس ناامنی می‌کنند و تقابل، جای همکاری را می‌گیرد. ضمن اینکه آمریکا یک قدرت جهانی است، ولی در آسیا با چین، در شرق اروپا با روسیه و در خاورمیانه با ایران رقابت می‌کند. ناسیونالیسم اقتصادی، سیاسی و امنیتی بازگشته و کشورهای مختلف بیش از گذشته در پی قدرت، نفوذ و جایگاه هستند. قدرت‌ها معمولاً برای حفظ سطح قدرت خود به دخالت نظامی در اختلافات گرایش می‌یابند. تسلط بر مناطق نفتی خاورمیانه، قدرت بین‌المللی آمریکا را افزایش می‌دهد. آمریکا تا حد توان تلاش خواهد کرد از طریق حمایت و تقویت رژیم صهیونیستی و متاثر ساختن منطقه از حضور آن از قدرتمند شدن چین، روسیه و ایران در خاورمیانه جلوگیری کند. و در این راه قراردادها و تعهدات نظامی تمام کشورهای عربی خلیج فارس، مصر، عراق، اردن و ترکیه حاکی از این سیاست است که حتی در دوره اوپاما نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه شاهد افزایش آن نیز بودیم. چین و روسیه به‌جای دموکراسی به حاکمیت ملی اعتقاد دارند و بر این نظرند که در خاورمیانه نباید به‌دنبال تغییر بود، بلکه باید با ساختارهای موجود همکاری کرد (Ikenberry, ۲۰۱۱: ۶۲۳-۶۲۴).

مسائل سوریه، عراق، ایران، عربستان، فلسطین و رژیم صهیونیستی تنها این روندهای حل اختلاف‌های فلسفی، هویتی، سرزمینی، سیاسی و امنیتی را به تأخیر خواهد انداخت و به‌جای حل اختلاف‌ها، مدیریت اختلاف‌ها حاکم خواهد شد. از این رو بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی، رقابت تسلیحاتی و حضور بازیگران بین‌المللی در ژئوپلیتیک خلیج فارس و شامات ادامه پیدا خواهد کرد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل سعی خواهند کرد با همکاری و ائتلاف، جزایری جدا از میدان‌های درگیری خاورمیانه، برای رشد اقتصادی و ارتباطات گسترده بین‌المللی برای جذب فناوری و سرمایه ایجاد کنند.

پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن این نظریه تلاش خود را بر روی تجزیه و تحلیل واکنش کشورهای منطقه غرب آسیا پس از تاسیس رژیم صهیونیستی در مقابل پیامدهای حضور این رژیم در منطقه که مجموعه‌ی کشورهای منطقه را به فکر کاهش قدرت ایران و متحدان منطقه‌ای آن انداخته است. که می‌تواند به لحاظ امنیتی و سیاسی تأثیراتی بر منطقه غرب آسیا داشته باشد و فضای سیاسی-امنیتی منطقه تحت الشعاع قرار دهد.

۱. شکل‌گیری رژیم در منطقه غرب آسیا

اعلامیه استقلال رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۱ که ماحصل توافقات پشت پرده قدرت‌های جهانی با محوریت بریتانیا بود آتش اختلافات در منطقه پر چالش غرب آسیا را شعله‌ورتر کرد. پس از این حادثه، ارتش‌های مصر، لبنان، سوریه، اردن و عراق در جهت بازپس‌گیری اراضی اشغالی حمله خود را آغاز کردند اما نتیجه برخلاف انتظار بود و رژیم صهیونیستی توانست علاوه بر سرزمین‌های اشاره شده در اعلامیه استقلال، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را نیز به شکل نامشروعی به خود الحاق کند. در طی جنگ، مهاجرت اجباری و قتل عام فلسطینیان به امری عادی تبدیل شد و سرانجام این جنگ با امضای توافق نامه آتش‌بس بین رژیم صهیونیستی و هریک از همسایگان عرب آن به پایان رسید. (Jones and Guzansky, ۲۰۲۰: ۲۹-۲۷)

– روند شکل‌گیری و استقرار رژیم صهیونیستی در منطقه

در سال ۱۹۷۱ مصر تلاش کرد تا شکست پیشین اعراب را جبران کند و به نوعی به بازآفرینی روحیه پان عربیسم اعراب اقدام کند. اما این بار نیز رژیم صهیونیستی با اقدام نظامی انگلستان و فرانسه ضربه سختی به مصر وارد کرد و صحرای سینا را به تصرف خود درآورد. یازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۵، مصر بار دیگر تلاش کرد تا شانس خود را برای تضعیف رژیم صهیونیستی و عقب‌راندن آن از سرزمین‌های عربی امتحان کند. در همین راستا اردن و سوریه نیز به مصر پیوستند و نیروهای خود را در مرز با رژیم صهیونیستی سازماندهی کردند. همچنین کشورهای عراق، عربستان سعودی، تونس، سودان، مراکش، الجزایر، لیبی و کویت نیز به رژیم صهیونیستی اعلام جنگ داده و با اعزام نیروهای کمکی به یاری مصر، اردن و سوریه شتافتند (Smith, ۲۰۰۴: ۱۹۸) در مقابل نیروی‌های رژیم صهیونیستی در یک حمله غافلگیرانه بیشتر نیروی هوایی مصر را منهدم کرد و توانست در پایان جنگ کنترل کامل شبه جزیره سینا، نوار غزه کرانه باختری از جمله بیت المقدس شرقی مزارع شبعا و بلندی‌های جولان را به دست آورد. نتایج این جنگ تا به امروز بر ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذار است. اما آنچه در میدان عمل افتاد افتاد در تعارض با توافقات این نشست بود. (Morris, ۲۰۰۱: ۳۱۶-۳۱۸) پس از آنکه آخرین تلاش‌های مصر و سوریه با حمایت برخی از کشورهای غرب آسیا در جنگ موسوم به «یاوم کپیاور»^۱ به شکست انجامید، مصر به میانجیگری ایالات متحده با امضای قرارداد کم دیوید در سال ۱۹۵۹ به اولین کشور عربی تبدیل شد که رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناخت. همچنین اردن نیز در سال ۱۹۹۹ به عنوان دومین کشور عربی با امضای قرارداد صلحی به اختلافات خود با این کشور پایان داد.

برای سالیان متمادی، پادشاهی های خلیج فارس رویکرد دو وجهی «آشکار و نهان» را در رابطه خود با رژیم صهیونیستی برگزیدند. از طرفی آرمان فلسطین و آزادسازی قدس شریف از چنگال صهیونیست ها به قدری در دنیای عرب ریشه های قوی و سترگی داشت که هیچکس نمی توانست به راحتی به آن پشت کند زیرا همگان سرنوشت سادات را پس امضای قرارداد صلح کم دیوید به یاد داشتند و سران عرب منطقه غرب آسیا نیز از این قاعده مستثنی نبودند. از سوی دیگر اینکه رژیم صهیونیستی برای دهه ها با بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی در سرتاسر منطقه غرب آسیا ارتباط داشت بر کسی پوشیده نبود.

با توجه با ماهیت رژیم صهیونیستی و اولویت اصلی این رژیم که مساله امنیت است دکترین بازدارندگی به عنوان مهم ترین دکترین سیاسی و امنیتی رژیم بوده و با گذر زمان با توجه به شدت و ضعف تهدیدات در میان طیفی از بازدارندگی (یعنی بازدارندگی کم شدت) در مقابل تهدیدات ناشی از همسایگان عرب و (بازدارندگی متعارف) جهت غلبه بر تهدیدات ناشی از گسترش تسلیحات و تضمین بقای خود در بلند مدت (بازدارندگی غیرمتعارف) و یا بازدارندگی راهبردی متغیر بوده است و سیاست های خود را بر مبنای این دکترین تعریف می نماید.

۲. پیامدهای سیاسی- امنیتی منطقه غرب آسیا بعد از تاسیس رژیم صهیونیستی

- تحولات سیاسی منطقه غرب آسیا متأثر از حضور رژیم صهیونیستی

ناامنی ساختاری ناشی از مداخله گر بیرونی، به لحاظ تاریخی به ویژه از جنگ جهانی اول، منطقه غرب آسیا دچار تحولات اساسی گردیده است. در ساختار نظام دو قطبی نیز توازن منطقه ای از عینیت و امکان پذیری قابل توجهی برخوردار بود، چراکه الگوهای تعامل منطقه ای بر اساس قواعد بازی مشارکت قدرت های بزرگ جهت ایجاد موازنه شکل می گرفت (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). اما پایان جنگ سرد فرآیند استقلال سطح منطقه ای در سیاست بین الملل را تشدید نمود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۵) این موضوع را «جیمز روزنا» با عنوان سیاست در جهان آشوب زده تبیین نموده است. بر این اساس که «قدرتهای بزرگ نقش محوری خود در سیاست بین الملل را از دست داده و فرآیند جدیدی شکل گرفته که مبتنی بر ظهور بازیگران منطقه ای می باشد (متقی، ۱۳۹۲: ۱۹۰) در این زمینه رفتارهای هژمونی که آمریکا نشان می دهد که الگوهای رشد نظم منطقه ای نوین در چالش با «لویتان جهانی» آمریکا قرار دارد. چه اینکه خلأ فروپاشی اتحاد شوروی در نظام بین الملل به طور مؤثری توسط دو جریان متفاوت منطقه گرایی و هژمونی

آمریکا در حال پرشدن است و رابطه معکوسی بین این دو الگو برقرار است و آمریکا به رغم حضور گسترده نظامی و امنیتی نتوانسته هژمونی و ساختار منظمی را در منطقه ایجاد کند.

زایش محور مقاومت در منطقه از اثرات حضور رژیم صهیونیستی است که ماحصل تجارب نبردهای فراوان این جبهه در لبنان و غزه و همچنین در سوریه، عراق و یمن می باشد. این محور برای ایستادگی سیاست های یهودی سازی دشمن، به ویژه در مقابله با یهودی سازی بیت المقدس مستحکم و منسجم شد که این همبستگی محور مقاومت در ایستادگی کنار سوریه و عراق در مقابله با داعش متجلی گردید. جنگ رژیم صهیونیستی با غزه (جنگ ۱۱ روزه) باعث تنزل جایگاه منطقه ای رژیم صهیونیستی شد. در مقابل، تضعیف روند عادی سازی و ارتقای جایگاه سیاسی مقاومت در برابر جریان سازش به واسطه این جنگ به معنای تقویت محور مقاومت در منطقه شد. این جنگ منجر به خیزش هایی در کرانه باختری و نیز سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ و نیز تحرکاتی در مرزهای همجوار فلسطین در اردن، لبنان و سوریه شد.

برنامه هسته ای ج.ا. ایران مهم ترین نگرانی رژیم صهیونیستی است، زیرا این مساله نه تنها از یک سوء انحصار هسته ای این رژیم را در منطقه به چالش می کشد و می تواند باعث تشویق کشورهای عربی برای دست یابی به توانمندی هسته ای شود، بلکه از سوی دیگر به صورت بالقوه موجودیت رژیم صهیونیستی (با توجه به ماهیت رژیم صهیونیستی) را تهدید می کند و فعالیت هایی که رژیم صهیونیستی برای مقابله با این تهدید انجام می دهد پیامدهای مسقیم سیاسی، امنیتی، نظامی و... برای منطقه دارد. لذا درگیری این رژیم با ج.ا. ایران یک مساله مهم منطقه ای است که می تواند باعث تغییر موازنه قدرت و تغییر سیاست های منطقه گردد (Ehteshami, ۲۰۱۴:۴۵). همچنین ایران به دلیل حمایت از حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین تهدید محسوب می شود و تا زمانی که از این گروه هایی که هژمونی رژیم صهیونیستی را در منطقه به چالش می کشند، پشتیبانی کند به عنوان تهدید برای رژیم صهیونیستی تلقی می شود. با این حال رژیم صهیونیستی یک بازیگر با نفوذ در منطقه است و از زمان تاسیس این رژیم، با تداوم روند نظامی گری در منطقه می تواند بر سیاست های کشورهای منطقه تاثیرگذار باشد. رژیم صهیونیستی نشان داده می تواند در روابط سیاسی قدرت های عربی نفوذ نماید و توانسته حداقل تلاش آنان را برای دستیابی به سیاست های منطقه ای و جمعی علیه خود را مختل نماید. رژیم صهیونیستی موفق شده است ایران را در ذهن کشورهای منطقه به تهدید بزرگ و نخست تبدیل نماید و با تاکتیک های سیاسی و عملیات روانی ایده ایران هراسی را در منطقه عملیاتی نماید.

-تحولات امنیتی منطقه غرب آسیا متأثر از حضور رژیم صهیونیستی

نزدیکی جغرافیایی و میزان تعاملات امنیتی و... کشورهای منطقه غرب آسیا و همچنین آسیب پذیری های متقابل آنان به حدی است که می توان امنیت و ناامنی در منطقه را به هم پیوسته ارزیابی نمود. بر اساس نظریه وابستگی متقابل، ترتیبات امنیتی غرب آسیا نیز برخاسته از الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه است، چرا که میزان تعاملات در آنها آنچنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می تواند به سرعت در منطقه تأثیرگذار شود. به عبارت دیگر امنیت یکی، مساوی با امنیت دیگری شده است. (موسوی، ۱۳۹۷: ۸۱)

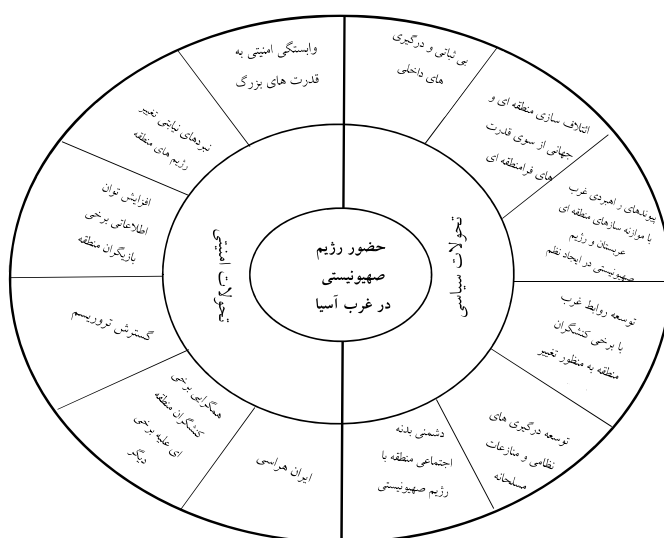
با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵، نظم قدیمی در منطقه غرب آسیا فرو ریخت و ائتلاف های منطقه ای سمت و سوی متفاوتی به خود گرفت. قدرت گرفتن یک دولت شیعی ضد غربی و ترس از الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران برای حاکمان عرب حوزه خلیج فارس امری ناخوشایند بود و از همان ابتدا تلاش کردند تا با سلسله اقداماتی که اوج آن حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران بود باعث تضعیف آن شوند. به شکل مشابهی رژیم صهیونیستی نیز از تشکیل دولت اسلامی در مرزهای خود در هراس بود و سقوط پهلوی به نوعی فرو ریختن یکی از دیوارهای بلند حمایتی از رژیم صهیونیستی بود. در اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی «ره» نیز رژیم صهیونیستی به عنوان غده سرطانی و غاصب سرزمین مسلمانان مطرح بود بنابراین از همان ابتدا نوعی تقابل معرفتی میان جمهوری اسلامی ایران و این رژیم شکل گرفت. از سال های ابتدایی هزاره جدید میلادی و با قدرت گرفتن برخی گروه های منطقه ای (مقاومت) و افزایش فعالیت های جمهوری اسلامی در غرب آسیا، تماس ها و همکاری های سیاسی - امنیتی میان برخی کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی در جهت مقابله با اقدامات ایران افزایش یافت. با این حال در سال های اخیر بود که مسائل و دغدغه های امنیتی باعث شد تا کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی روابط پشت پرده خود را تا حدودی علنی کنند.

اگرچه به دلیل نگاه خصمانه طرف رژیم صهیونیستی و نیز برخی اقدامات ترامپ از جمله به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، پیشرفتی در حل مساله فلسطین ایجاد نشد اما در گسترش روابط برخی از کشورهای عرب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی پیشرفت هایی حاصل شد. امری که در ادبیات روابط بین الملل به «اتحاد کشورهای عربی - رژیم صهیونیستی علیه ایران» معروف گشته است. یکی از مهمترین تحولات امنیتی پیرامون این مساله، برگزاری کنفرانس ورشو در

فوریه سال ۱۹۲۲ در لهستان بود. بر اساس اعلامیه رسمی این نشست، موضوعات اصلی این رویداد عبارت بودند از: تروریسم و افراط گرایی، مسائل موشکی، تجارت و امنیت دریایی و تهدید گروه های نیابتی در منطقه غرب آسیا. در این نشست مایک پمپو وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده اعلام کرد که هدف از این کنفرانس توجه به نفوذ ایران و تروریسم در منطقه است. کنفرانس وروشو با توجه به درگیری های نیابتی ایران و رژیم صهیونیستی و نیز ایران و عربستان سعودی به زمینه سازی نیمه رسمی ایجاد پیمان میان اعراب و رژیم صهیونیستی علیه ایران منجر شد. (Middle East News, ۲۰۱۹)

قدرت یافتن شیعیان در عراق، تحولات مربوط به بیداری اسلامی، شکل گیری محور مقاومت و پیروزی های حزب الله لبنان و حماس در برابر رژیم صهیونیستی و موفقیت های ایران در سوریه و عدم توفیق عربستان در یمن و تداوم نفوذ منطقه ای و موشکی و پهبادی ایران در منطقه موجه هراس رژیم صهیونیستی از تغییر موازنه قوا به سود ایران و به ضرر آنها شد که این امر زمینه نزدیکی تلاویو با کشورهای عربی منطقه برای موازنه قوا گردیده و آن ها با همکاری آمریکا به دنبال تقویت جبهه ضد ایرانی و ایجاد توازن قدرت در مقابل جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین با توجه به دیدگاه های موجود پیرامون تاثیرات حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا الگوی مفهومی تحقیق طبق شکل زیر می باشد. در این الگو تاثیرات حضور این رژیم دارای دو بعد سیاسی و امنیتی است. هر بعد دارای شش مولفه می باشد:



شکل شماره (۱): الگوی مفهومی تحقیق

تجزیه و تحلیل و یافته های پژوهش

طی فرایند کدگذاری داده های متنی مصاحبه متخصصان حوزه غرب آسیا ابتدا مفاهیم استخراج شد. سپس این مفاهیم در قالب مضامین فرعی دسته بندی و در نهایت مضامین فرعی به مضامین اصلی تقلیل پیدا کردند. در مورد تاثیر سیاسی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا شش مضمون اصلی ((بی ثباتی و درگیری های داخلی، ائتلاف سازی منطقه ای و جهانی از سوی قدرت های فرامنطقه ای، پیوندهای راهبردی غرب با موازنه سازهای منطقه ای عربستان و رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید، توسعه روابط غرب با برخی کنشگران منطقه به منظور تغییر موازنه قدرت، توسعه درگیری های نظامی و منازعات مسلحانه، دشمنی بدنه اجتماعی منطقه با رژیم صهیونیستی)) به دست آمد و در مورد تاثیر امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا پنج مضمون اصلی ((وابستگی امنیتی به قدرت های بزرگ، نبردهای نیابتی، افزایش توان اطلاعاتی برخی بازیگران منطقه، گسترش تروریسم، همگرایی برخی کنش گران منطقه ای علیه برخی دیگر و ایران هراسی)) احصا گردید.

جدول شماره(۱): جدول کدگذاری سوالات

پیامد حضور		واکنش حضور		
کد	سوال	کد	سوال	
A۲	پیامد های سیاسی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا چیست؟	A۱	واکنش سیاسی کشور های غرب آسیا به حضور رژیم صهیونیستی چیست؟	سیاسی
B۲	پیامد های امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا چیست؟	B۱	واکنش امنیتی کشور های غرب آسیا به حضور رژیم صهیونیستی چیست؟	امنیتی

در پاسخ به سؤال پژوهش حاضر مبنی بر اینکه «پیامد ها و واکنش سیاسی کشورهای منطقه غرب آسیا پس از تاسیس رژیم صهیونیستی در منطقه چگونه است؟» محقق بنا جمع بندی کلی که با استفاده از یادداشت برداری، استخراج مفاهیم و مقوله بندی نظرات مصاحبه شوندهگان انجام شده است یافته های پژوهش را در قالب جدول زیر تدوین نموده است:

جدول شماره (۲): پیامد ها و واکنش سیاسی کشورهای منطقه غرب آسیا پس از تاسیس رژیم صهیونیستی

ردیف	سیاسی	کد	فراوانی	درصد
۱	ایجاد بی ثباتی در کشورهای منطقه	A _۲	۳	٪۶۰
۲	درگیری های داخلی در کشورها	A _۲	۲	٪۴۰
۳	ائتلاف سازی منطقه ای و جهانی از سوی فرامنطقه ای	A _۲	۴	٪۸۰
۴	پیوندهای راهبردی غرب با موازنه سازهای منطقه ای عربستان و رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید	A _۲	۵	٪۱۰۰
۵	توسعه روابط غرب با برخی کنشگران منطقه به منظور تغییر موازنه قدرت	A _۱	۳	٪۶۰
۶	دولتهای ورشکسته، ائتلاف سازی منطقه ای و توسعه درگیری های نظامی و منازعات مسلحانه	A _۲	۵	٪۱۰۰
۷	دشمنی بدنه اجتماعی منطقه با رژیم صهیونیستی	A _۱	۲	٪۴۰

نتایج بیانگر این موضوع است که پیوندهای راهبردی غرب با موازنه سازهای منطقه ای عربستان و رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید، ائتلاف سازی منطقه ای و توسعه درگیری های نظامی و منازعات مسلحانه بین گروهی (غیر دولتی) به نظر اکثر کارشناسان از تأثیرات سیاسی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه است.

در راستای نیاز به این موازنه سازی بازیگر جدید غیردولتی ضد شیعی به نام داعش در بطن نابسامانی های منطقه متولد شد و مورد استفاده بازیگران رقیب و دشمن قرار گرفت. این بازیگر غیردولتی، نگاه بازیگران دولتی به ثبات و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در این شرایط رژیم های محافظه کار منطقه به غرب اتکا می کنند تا نفوذ خود را در منطقه تقویت کنند بنابراین، ظهور این بازیگر غیر دولتی و باز شدن پای قدرت های فرامنطقه ای در دگرگونی های منطقه ناشی از حضور رژیم صهیونیستی، همه این عوامل باعث گردیده قطب بندی جدید در منطقه شکل گرفته و نقطه عطفی در شکل دهی به مقوله نظم امنیت و ثبات بین دولتی در غرب آسیا تلقی می گردد.

در پاسخ به سؤال پژوهش حاضر مبنی بر اینکه « پیامدهای سیاسی - امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه چیست؟ » محقق با جمع بندی کلی که با استفاده از یادداشت برداری، استخراج مفاهیم و مقوله بندی نظرات مصاحبه شونده‌گان انجام شده است یافته های پژوهش را در قالب جدول زیر تدوین نموده است:

جدول شماره (۳): پیامد ها و واکنش امنیتی کشورهای منطقه غرب آسیا پس از تاسیس رژیم صهیونیستی

ردیف	امنیتی	کد	فراوانی	درصد
۱	وابستگی امنیتی به قدرت های بزرگ	B ^۲	۳	٪۶۰
۲	نبردهای نیابتی و تغییر رژیم های منطقه	B ^۱	۵	٪۱۰۰
۳	افزایش توان اطلاعاتی برخی بازیگران منطقه	B ^۱	۳	٪۶۰
۴	گسترش تروریسم	B ^۲	۴	٪۸۰
۵	همگرایی برخی کنشگران منطقه ای علیه برخی دیگر	B ^۱	۳	٪۶۰
۶	ایران هراسی	B ^۲	۵	٪۱۰۰

نتایج نشان می دهد که گسترش نبردهای نیابتی و تولید ایران هراسی به نظر اکثر کارشناسان از تاثیرات امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه است.

حضور رژیم صهیونیستی پای قدرت های فرمانطقه ای را به منطقه باز نموده و مهمترین متحد فرمانطقه ای رژیم صهیونیستی در غرب آسیا، ایالات متحده است. واشنگتن در راستای منافع خود و رژیم صهیونیستی در تحولات منطقه، در شکل گیری و یا مقابله با گروهها و جریانها مؤثر بر این تحولات ایفای نقش می کند. دخالت غرب از جمله آمریکا در تغییر رژیم ها در غرب آسیا طی سال های گذشته و منافع و ملاحظات آنها را باید از عوامل تشدید بی ثباتی های داخلی و روبرویی های فرقه ای و قومی در کشورهای غرب آسیا دانست. طرح غرب آسیای بزرگ نیز که گسترش دموکراسی موردنظر آمریکا را دنبال می کرد، به تعارضات قومی و مذهبی دامن می زد.

کارشناسان معتقدند ایران هراسی در بستر برخی واقعیت ها در منطقه و وارونه نمایی برخی دیگر شکل گرفته است تا در پرتو آن هزینه قدرت یابی ایران به نحوی افزایش یابد. بر مبنای نظریه پردازان و سیاست گذاران آمریکا، ایران در حال ظهور در تلاش برای تسلط و کسب هژمونی در منطقه است و ترویج ایران هراسی در منطقه یک ضرورت استراتژیک برای سیاست خارجی آمریکا و نماینده آن در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی است.

نتیجه گیری

با توجه به همسویی و همگرایی راهبردی - امنیتی رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا با ایالات متحده آمریکا و نظام ارزشی ائتلاف غرب و هنجارهای حاکم بر نظام بین المللی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی ج.ا.ا با موجودیت رژیم صهیونیستی، هرگونه افزایش حضور این رژیم در منطقه به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تاثیرگذاری ایران تلقی شده و بدون تردید ناآرامی های جاری در غرب آسیا، ریشه ها و زمینه های قدرتمند داخلی داشته است. انسداد سیاسی، نارسایی های جدی اقتصادی و دشواری های روابط نهادهای غیردولتی و مردم نهاد با دولت ها، از جمله این ریشه ها و زمینه ها به شمار می رود. در چنین فضای نارضایتی و تنش، شگفت آور نیست که آشوبها و تشویش هایی بروز یابد. نکته ی حائز اهمیتی که در نقش حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا باید در نظر داشت، ملی و منطقه ای بودن بسترها و بازیگران است. گرچه دولت های بیرون از منطقه مانند آمریکا، روسیه و کشورهای اروپایی، از دهه های گذشته نقش غیرقابل انکاری در معادلات امنیتی و سیاسی در غرب آسیا داشته اند، اما ظهور و بروز این رژیم در سیر تکاملی خود در منطقه جنگ داخلی و افق خشونت بین دولتی را به نمایش گذاشته است که از یک طرف ایجاد گروه ها و جریانات تکفیری-تروریستی مانند داعش و القاعده و محیط نابسامان و مناطق بی ثبات و جنگ گرم داخلی (منطقه ای)، جنگ سرد منطقه ای (در قالب جنگ های نیابتی و ائتلاف های رقیب)، حضور و نفوذ قدرت های فرامنطقه ای مولود حضور این رژیم در منطقه است.

منابع

۱. اختیاری امیری، رضا، محمدی، محمدرضا (۱۴۰۰) تاثیر مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس بر سیاست همسایگی ایران، فصلنامه سیاست خارجی ۳(۳۵)، پاییز ۱۴۰۰، ۱۵۰-۱۲۹.
۲. افتخاری، اصغر (ترجمه و گردآوری) (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. اخوان مفرد، سیاوش، (۱۳۷۹)، اسرائیل در آسیای مرکزی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۹-۳۰.
۴. موسسه تحقیقات و پژوهش های سیاسی، (۱۳۹۰) مروری بر روابط خارجی رژیم صهیونیستی انتشارات ندا.
۵. سلیمانی، ممد باقر (۱۳۸۹) بازیگران روند صلح خاورمیانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۶. دفرنوزو، جیمز (۱۹۹۷)، انقلاب اسلامی ایران از چشمانداز نظری، ترجمه حمیرا مشیریاده، تهران انتشارات باپ.
۷. عصاریان نژاد، حسین، امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۸۷
۸. یزدانفام، محمود (۱۳۹۷) «تحولات جهان عرب: صورت بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، ۷۷.

- 9.-Hyman, Antony, (2001), Central Asia and the Middle East: the Emerging links, London: zed book
- 10.Zriagelskaya. D, Irena, (1994), Central Asia and Transcausia: New Geopolitical, we port con. Ann London: coreen wood press
- 11.Henriksen Waage Hilde(2000). "How Norway Became One of Israel's Best-Friends". Vol. 37, No. 2 (Mar., 2000)
- 12.Ragawi Mohammed al & et al(2021). "How US bribed Arab states to normalize ties with Israel". Available

